



غلامرضا مصباحی مقدم عضو مجمع تشخصی مصلحت نظام با طرح این سوال که آیا شرایط فعلی اقتصاد ایران راه برون رفت دارد، گفت: بیماری اقتصاد ایران شناخته شده است و راه حلش هم مشخص است، باید جو نقدینگی را گرفت. من خبر دارم که آن ۱۰ هزار میلیارد استقراض از بانک مرکزی به ۳۳ هزار میلیارد رسیده است. این سیلاب نقدینگی مثل سیلاب آب است. اگر جلو این سیلاب را سد بگذارند می‌توانند از انرژی آن بهره گرفت وگرنه

مانند سیلاب همه چیز را خراب می‌کند. مصباحی مقدم افزود: جناب آقای جهانگیری نکته‌ای گفتند که ای کاش پی‌ای را می‌گرفتند. گفتند حاضریم نفت را از طریق بورس به مردم بفروشیم. همین کار یک راه حل است. نمی‌گوییم یک دفعه این کار را بکنند بلکه آهسته آهسته می‌شود انجامش داد. توتال می‌خواست ۵ میلیارد دلار کمک به ایران بیاورد که این مقدار را می‌شود از دست مردم گرفت و آن‌ها را شریک کرد.

دولت جلو امضای طلایی را بگیرد

وی همچنین گفت: تأمین منابع مالی بنگاه‌های زودبازده و مبارزه با فساد بویژه در سازمان‌های مالیاتی و گمرک، جمع شدن امضاهای طلایی و قطع وابستگی به بودجه نفت از جمله اقداماتی است که باید در اقتصاد ایران صورت بگیرد. به گزارش ایسنا، وی یادآور شد: آقای رئیس‌جمهور می‌فرمایند باید دولت الکترونیک داشته باشیم. تمام سازمان‌ها و نهادهای ما از ابزارهای الکترونیکی مجزب هستند اما هنوز در یک مجموعه واحد درنیا آمده‌اند. اگر این اتفاق بیفتد دیگر امضای طلایی وجود نخواهد داشت.

تقطیع کتاب کری برای زدن ظریف

رسانه‌های اصولگر از جمله کیهان و جهان نیوز و ... با استناد به بخش‌هایی از خاطرات وزیر خارجه اسبق آمریکا درحال تلاش برای تخریب وزیر خارجه کشورمان هستند. این در حالی است که صرفنظر از رویکرد اشتباه این رسانه‌ها بارها کارشناسان و مذاکره‌کنندگان ایالات متحده از جمله کری و معاونانش بر توانایی‌های ظریف مهر تایید زده‌اند

عدم توجه به خاطرات معاون کری!

نکته دیگری که در ماجرای حمله امروز رسانه‌های اصولگرا به ظریف- به خاطر انتخاب گزینشی خاطرات جان کسری درباره برجام - قابل ذکر است، عدم توجه به این مطلب است که این روزها آمریکایی‌های مذاکره‌کننده دیگری نیز به بیان خاطرات خود از برجام پرداخته‌اند. کسانتی مثل وندی شرمن معاون ترامپ که می‌گوید: «بعد از شام شب بیست و پنجم، من با عباس عراقچی مذاکره‌کننده ارشد ایرانی و مجید تختروانچی، دیگر عضو تیم مذاکره‌کننده ایران برای بررسی یک قطعنامه سازمان ملل متحد دیدار کردم. عراقچی با نسکات کلیدی موافقت کرد ولی پس از آن به سمت جلوگیری شده‌بود یکی از بندهایی که پیش‌از این درباره آن توافق شده بود را به چالش کشید. این یک شبیو-آشناسی مذاکره ایرانی بود: زمانی که توافق، قریب‌الوقوع به نظر می‌رسید، یک نکته دیگر برای اختلاف ایجاد می‌شد. ما آنچه را می‌خواستید به شما دادیم، حالا برخی چیزهایی که از ما گرفته‌اید را به ما برگردانید. من آن را باختم. شروع به توضیح دادن کردم و چشمانم از ناامیدی و خشم پر از اشک شده بود.»

شرمن وقتی از اشک و گریه اش می‌گوید، چگونه می‌توان تیم مذاکره‌کننده ایران را کاملاً فاشل توصیف کرد؟

شرمن همان کسی است که از فریب خوردن توسط ایرانیان تا حدی می‌هراسیده است که یکبار با دشمن گفته بود: «فریب و ترسندگی از DNA ایرانیان است.» هرچند که به‌شدت به خاطر این گفته ابراز پشیمانی کرد. اما آیا این هراس طرف آمریکایی از طرف ایرانی یعنی فریب خوردن آسان ظریف دربرجام؟ شرمن درباره رفتار ترامپ در قبال برجام نیز اظهار کرده است: «ایران فرهنگ مستحدم دارد و در زمینه بحث توافق به طرز خارق‌العاده‌ای دست بالا را دارد.» اکنون پرسش از کیهان و امثال آن این است که وقتی معاون جان کری پیشتر چنین سخنانی را ابراز داشته آیا بازهم می‌توان ایرانیان خورده و امتیازدهنده دانست؟

خروج ترامپ هم برای همین بود؟

دونالد ترامپ تا کنون بارها از برجام به عنوان بدترین و حتی توافق مفتضحانه تاریخ آمریکا یاد کرده است و دست آخر نیز با پافشاری بر بد بودن این توافق از آن خارج شده- امری که طرح یک پرسش دیگر از جریان راست را ضروری می‌سازد. آن این است که آیا خروج ترامپ از این توافق نیز به معنای اعطای امتیازهای فراوان کشورمان در موضوع برجام به آمریکایی‌ها بود؟ اگر چنین است؟ پس چرا ترامپ چنین توفیق پر منفعتی را پاره کرد؟ مگر نه اینکه پیش از خروج ترامپ از برجام همین کیهان و امثال آن در گزارش‌ها و یادداشت‌های مختلف می‌نوشتند که برجام چون به آمریکا سود بسیار می‌رساند، ترامپ در حفظ آن کوشا خواهد بود؟ پس چه شد؟

بهر از او بود؟

از سویی دیگر بد نیست تا جریان راست اندکی در باره محمد جواد ظریف به عنوان وزیر خارجه ایران واقع بین باشد. برای این واقع بینی فقط کافی است نگاهی گذرا به تمام وزرای خارجه ۴ دهه انقلاب داشته باشیم. گاه در آن به چهره‌هایی برمی‌خوریم که یا زبان نمی‌دانستند یا رشته تخصصی‌شان بی ارتباط با این حوزه بوده است و آن قدر ویسپرس اینجاست که ظریف اگر خالی از ایراد و مشکل نیست اما آیا در این ۴۰ سال، چهره‌ای مناسب‌تر از او برای وزارت خارجه وجود داشته است که امروز عده‌ای اینگونه می‌خواهند ناتوانی اش را در بوق و کرنا کنند! ظریف هرچه که بود لابد آن قدر مثبت عمل کرد که روزی روزگاری نامش به عنوان یکی از کاندیداهای احتمالی جایزه صلح نوبل مطرح شد و واشنگتن پست در باره او و همتای آمریکایی اش کری نوشت نام آن‌ها در کتب تاریخی جهان به عنوان دودبلماتی‌ک خواهد شد که در عین وجود تماز ماهرسی، با برقراری یک رابطه دوستانه حول محور حفظ منافع ملی، توفیقی تاریخی ثبت کردند.

حرف کری سند است یا نه؟

جالب اینکه امروز همان‌هایی که می‌گویند نباید به اظهارات امثال جان کری اطمینان کرد و آن را سند دانست، خودشان به بخشی از صحبت‌های او استناد کرده‌اند. آن را وحی منزل دانسته و با تأیید بخشی از اظهارات کری که به نفع‌شان است، ظریف را به سخره گرفته و اهداف سیاسی خود را پیش می‌برند.



بد نیست تا جریان راست اندکی در باره محمد جواد ظریف به عنوان وزیر خارجه ایران نیز واقع بین باشد. برای این واقع بینی فقط کافی است نگاهی گذرا به تمام وزرای خارجه ۴ دهه انقلاب داشته باشیم. گاه در آن به چهره‌هایی برمی‌خوریم که یا زبان نمی‌دانستند یا رشته تخصصی‌شان بی ارتباط با این حوزه بوده است و با هردو! پرسش اینجاست که ظریف اگر چه خالی از ایراد و مشکل نیست اما آیا در این ۴۰ سال، چهره‌ای مناسب‌تر از او برای وزارت خارجه وجود داشته است که امروز عده‌ای اینگونه می‌خواهند ناتوانی اش را در بوق و کرنا کنند!

اکنون این بهانه را به مخالفان رادیکال دولت داده است تا اینگونه بر ظریف بتازند اما بررسی دقیق‌تر اظهارات رسانه‌های راست ایرانیانه می‌تواند بیانگر آن باشد که آنچه امروز آن‌ها سعی در القاش دارند، نماد بارز بی‌انصافی و نگاه تک‌بعدی‌شان به کتاب جان کری است.

بخش‌های مغفول شده

رسانه‌های راست تنها با استناد به بخش‌هایی از این فصل تلاش داشتند تا مقامات مذاکره‌کننده ایرانی را فریب خورده آمریکا بنامند. با این حال اما نگاهی به بخش‌های دیگری از این فصل چیزی به غیر از این مطلب را القا می‌کند، بخش‌هایی که رسانه‌هایی امثال جهان نیوز یا کیهان ترجیح داده‌اند آن‌ها را نبینند و یا به روی خودشان نیاورند! چون توجه به آن‌ها نشان‌ز رسانه‌ای اشان را نقش بر آب می‌کند.

جان کری در بخشی از خاطراتش، ماجرای اصلی «هرگز یک ایرانی را تهدید نکن» را شرح داده است که تیم ۱۰۵، نتایج نشست داخلی خود را به وزیر امور خارجه ایران منتقل می‌کنند و او بلافاصله به لندن می‌رود. در حالی که وزیر امور خارجه ایران جلسه را ترک کند، فریاد می‌دهد: «این توهم‌انگیز است. شما می‌خواهید من را تهدید کنید. هیچ‌وقت یک ایرانی را تهدید نکنید.» به گفته جان کری، این اتفاق سبب شده بود تیم آمریکایی به این فکر کنند که ممکن است وین را بدون توافق ترک کنند تا اینکه وزیر خارجه اسبق آمریکا فردای آن روز به اتاق ظریف رفته و با او صحبت کرده است.

کری در جملاتی کلیدی به چهره محکم ظریف در مذاکرات نیز اذعان دارد. در بخشی می‌نویسد: «ظریف گفت که ایران، کشته‌مرد توفیق نیست.» کری با صراحت می‌نویسد: «هر کدام از ما (ظریف و کری) ملاک‌های اصولی‌ای داشتیم که هیچ‌گاه آنها را زیر پا نمی‌گذاشتیم اما هر دو هم با جدیت به دنبال یافتن راهی برای پیشرفت بودیم.»

جملاتی که به مصلحت (!) از دید رسانه‌های راست نداشتیم، یا در مورد خورده شدن آن‌ها بهتر بتوانند وزیر امور خارجه کشورشان را تحقیر کنند! در حالیکه همین جملات کتاب کری بیانگر آن است که حتی وزیر خارجه سابق آمریکا از در

آفتاب یزد- گروه سیاسی: «هر روز موهبتی دیگر است!» یک عنوان شاعرانه برای جدیدترین کتابی که به قلم جان کسری به نگارش در آمده. جان کری در کتاب خود از خاطرات سال‌های دور و نزدیکش می‌گوید. خاطراتی البته گاه با چاشنی قهرمان پروری و اغراق‌های جذاب تا خواننده را به ستایش نویسنده و کارهایش وادارد. کری اما شاید خود هم باورش نمی‌شد روزی یکی از جملاتش را «هر روز موهبتی دیگر است» بخرد. در این کتاب که دلشان می‌خواهد، انجام دهند و کسی هم جلودارشان نیست.

وی افزود: سسوالی که من از آقای مصباحی حوزه علمیه و اساتید مطرح کردم، در واقع سوال از کل شرایطی است که در کشور وجود دارد و آنها تنها بخشی از آن را در برمی‌گیرند. آنچه مشخص است، نظام دوجار یک بیمارست و در برابر ناهنجاری‌ها واکنسینه نیست. بسیاری از مقامات نیز نظر مساعدی درباره این نوع اقدامات ندارند، ولی توان و نیروی بازدارنده‌ای که باید در برابر برخی افراد باشد، وجود ندارد. حتی کرمانی در ادامه گفت: بخش دیگر از عواملی که باعث به وجود آمدن چنین شرایطی می‌شود، فساد مالی، اداری، سوءاستفاده‌ها و درگیری‌هایی بازمی‌گردد که در کشور وجود دارد.

وی با اشاره به پیشنهاد مناظره‌ای که اخیراً با آیت‌الله مصباح‌زیدی داده بود، در پاسخ به این پرسش که علت امتناع آقای مصباح را در چه می‌داند، گفت: خبر ندارم که ایشان امتناع کردند یا نه حتی نامم در اطلاع رسیده با خبر. از این‌رو، نمی‌توانم حکم کنم که ایشان با اطلاع جواب نمی‌دهند. اگر میسر بود که من با خود آقای مصباح تماس بگیرم، می‌توانستم بفهمم که ایشان این مطلب را خوانده‌اند یا نه. حتی کرمانی در پاسخ به این سوال که با توجه به آنکه در گذشته مسیوق به سابقه بوده، آیا امکان دارد پاسخ شما را نشریه منتسب به آیت‌الله مصباح بدهد، اما خود ایشان از آن بی اطلاع باشد، گفت: بعید نمی‌دانم. زیرا در جلساتی که من در گذشته با آقای مصباح داشتم، ایشان صریحاً می‌گفتند که حوصله روزنامه خواندن ندارد و روزنامه را زائد و خواندنش را اتلاف وقت می‌داند. لذا مطمئن نیستم که حتی همان مجله «پرو سخن» که متعلق به ایشان است را هم مطالعه کند و این بدین خاطر است که ایشان گرفتار کار علمی و فلسفه است. وی بیان کرد: من نیز خود چنین گرفتاری‌ای دارم و زمانی که یک کتاب علمی یا تفسیر می‌خوانم، مباحث درون روزنامه‌ها برام بسیار سبک به نظر می‌رسد، ولی چون احساس مسئولیت می‌کنم، برخی اوقات مطالبی در روزنامه می‌نویسم. والا روحیه حوزوی ما به گونه‌ای است که وقتی غرق در مسائل اخلاقی، فلسفی یا تفسیری می‌شویم، میل به سخن گفتن پیدا نمی‌کنیم.

از این رو، ممکن است اگر ایشان اظهار نظر می‌کنند، بدان خاطر باشد که اسلام واقعی را در خطر می‌بیند، حتی کرمانی بیان کرد: به نظر می‌رسد که برای آقای مصباح‌زیدی نیز، کار سیاسی در حاشیه قرار دارد. مشکل ما نیز همین است، اینکه آقایان؛ از جمله آقای مصباح «سیاسی مصطلح» نیستند، بلکه تنها از آنجایی که احساس وظیفه می‌کنند، لب به سخن می‌گشایند. بنابراین آنها نمی‌توانند مسائل سیاسی را بررسی کنند.

حمله گزینشی!

اکنون فصل هجدهم کتاب خاطرات جان کری تبدیل شده است به محلی برای حمله‌های جناحی جریان راست و مخالفان توفیق هسته‌ای به ظریف، تا از طریق آن وزیر خارجه ایران و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای را خسوار و خفیف کرده و از آن‌ها با عنوان کسانی که در ماجرای برجام کاری جز دادن امتیاز به آمریکا‌ها و فریب خوردن از آن‌ها نداشته‌اند، یاد کنند. این درست که اظهارات کری و پیرامون زیرکی تیم مذاکره‌کننده آمریکایی درباره اعطای برخی از امتیازات غیر مهم به ایرانی‌ها،



داعش مسئولیت حمله به کابل را بر عهده گرفت

گروه تروریستی داعش مسئولیت حمله انتحاری در نزدیکی مراسم بزرگداشت احمدشاه مسعود در کابل افغانستان را برعهده گرفته است. به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری رویترز، شبکه خبری اعماق داعش در بیانیه‌ای اعلام کرد که این گروه تروریستی مسئولیت این حمله انتحاری را که در نزدیکی مراسم بزرگداشت احمدشاه مسعود به وقوع پیوست، برعهده گرفته است. در این حمله انتحاری دست کم هفت تن کشته و ۲۵ تن دیگر زخمی شدند.

واکنش

محمدجواد حجتی کرمانی: آقای مصباح روزنامه خواندن را ااتلاف وقت می‌داند در روزهای گذشته، محمدجواد حجتی کرمانی در پی حادته اخیر مدرسه فیضیه قم به آیت‌الله مصباح‌زیدی هشدار داد که در حال حاضر، انگشت اتهام به سوی او و جبهه پایداری است و در همین راستا او را به مناظره دعوت کرد. شدت کلام، رابطه محمدجوادحجتی کرمانی در گفت‌وگو باجماران، درباره نامله‌ای که اخیراً به مسئولیت حوزه‌های علمیه نوشته است، گفت: گردهم آبی‌ها، آشوب‌ها، ساختارشکنی‌ها و فحاشی‌ها معلول یکسری وادادگی است که در کل نظام وجود دارد. این وادادگی در همه‌جا هست و نمونه بارزش در اتفاق فیضیه قسم بود که افرادی گمان کردند امنیت دارند و می‌توانند همه حرفی زده یا هر کاری که دلشان می‌خواهد، انجام دهند و کسی هم جلودارشان نیست. وی افزود: سسوالی که من از آقای مصباحی حوزه علمیه و اساتید مطرح کردم، در واقع سوال از کل شرایطی است که در کشور وجود دارد و آنها تنها بخشی از آن را در برمی‌گیرند. آنچه مشخص است، نظام دوجار یک بیمارست و در برابر ناهنجاری‌ها واکنسینه نیست. بسیاری از مقامات نیز نظر مساعدی درباره این نوع اقدامات ندارند، ولی توان و نیروی بازدارنده‌ای که باید در برابر برخی افراد باشد، وجود ندارد. حتی کرمانی در ادامه گفت: بخش دیگر از عواملی که باعث به وجود آمدن چنین شرایطی می‌شود، فساد مالی، اداری، سوءاستفاده‌ها و درگیری‌هایی بازمی‌گردد که در کشور وجود دارد.

وی با اشاره به پیشنهاد مناظره‌ای که اخیراً با آیت‌الله مصباح‌زیدی داده بود، در پاسخ به این پرسش که علت امتناع آقای مصباح را در چه می‌داند، گفت: خبر ندارم که ایشان امتناع کردند یا نه حتی نامم در اطلاع رسیده با خبر. از این‌رو، نمی‌توانم حکم کنم که ایشان با اطلاع جواب نمی‌دهند. اگر میسر بود که من با خود آقای مصباح تماس بگیرم، می‌توانستم بفهمم که ایشان این مطلب را خوانده‌اند یا نه.

حتی کرمانی در پاسخ به این سوال که با توجه به آنکه در گذشته مسیوق به سابقه بوده، آیا امکان دارد پاسخ شما را نشریه منتسب به آیت‌الله مصباح بدهد، اما خود ایشان از آن بی اطلاع باشد، گفت: بعید نمی‌دانم. زیرا در جلساتی که من در گذشته با آقای مصباح داشتم، ایشان صریحاً می‌گفتند که حوصله روزنامه خواندن ندارد و روزنامه را زائد و خواندنش را اتلاف وقت می‌داند. لذا مطمئن نیستم که حتی همان مجله «پرو سخن» که متعلق به ایشان است را هم مطالعه کند و این بدین خاطر است که ایشان گرفتار کار علمی و فلسفه است. وی بیان کرد: من نیز خود چنین گرفتاری‌ای دارم و زمانی که یک کتاب علمی یا تفسیر می‌خوانم، مباحث درون روزنامه‌ها برام بسیار سبک به نظر می‌رسد، ولی چون احساس مسئولیت می‌کنم، برخی اوقات مطالبی در روزنامه می‌نویسم. والا روحیه حوزوی ما به گونه‌ای است که وقتی غرق در مسائل اخلاقی، فلسفی یا تفسیری می‌شویم، میل به سخن گفتن پیدا نمی‌کنیم.

از این رو، ممکن است اگر ایشان اظهار نظر می‌کنند، بدان خاطر باشد که اسلام واقعی را در خطر می‌بیند، حتی کرمانی بیان کرد: به نظر می‌رسد که برای آقای مصباح‌زیدی نیز، کار سیاسی در حاشیه قرار دارد. مشکل ما نیز همین است، اینکه آقایان؛ از جمله آقای مصباح «سیاسی مصطلح» نیستند، بلکه تنها از آنجایی که احساس وظیفه می‌کنند، لب به سخن می‌گشایند. بنابراین آنها نمی‌توانند مسائل سیاسی را بررسی کنند.

مجلس

میرزایی نیکو: به علت تعطیلی مجلس امکان بررسی ماجرای بابل وجود ندارد!

قاسم میرزایی نیکو عضو کمیسیون شوراهای مجلس، در پاسخ به سسوالی در خصوص دستگیری پنج تن از اعضای شورای شهر بابل در رابطه با فساد اخلاقی، گفت: به این علت که در تعطیلی کمیسیون‌ها هستیم و نمایندگان در حوزه انتخابیه به سر می‌برند امکان بررسی این موضوع در مجلس وجود ندارد. وی ادامه داد: قطعاً ایجاد این موضوع یکی از محورهای خواهد بود که پس از تعطیلات مجلس بررسی قرار می‌گیرد و افرادی را برای استخوابی به کمیسیون دعوت خواهیم کرد. نماینده دماوند در مجلس گفت: با این حال در جلسه کمیسیون ماده ۱۰ احزاب، دوستانه با مدیر کل سیاسی وزارت کشور صحبت کردم تا پیگیری این موضوع باشند؛ باقی دوستانه است که حضور داشتند معتقد بودند این موضوع باید از سسوی وزارت کشور پیگیری شود.

به گزارش ایلنا، میرزایی نیکو در خصوص احتمال وجود برنامه‌ریزی برای ایجاد تنش در شورای اسلامی شهر بابل گفت: قضاوت کردن زود است. در خصوص موضع کمیسیون هم باید ابتدا با آقای کیویوند و سایر دوستان صحبت کنم. در همین راستا پروانه مافی عضو کمیسیون شوراهای مجلس نیز با اشاره به موضوع دستگیری برخی اعضای شورای اسلامی شهر بابل در رابطه با اتهام فساد اخلاقی، گفت: این موضوع در ارتباط با اتهام مقدماتی و در حد اتهام است و هنوز هیچ اتهامی اثبات نشده اما متأسفانه نام و تصویر این افراد منتشر شده است. مافی افزود:

به این علت که در تعطیلات مجلس هستیم و امکان پیگیری موضوع از طریق کمیسیون میسر نیست، شخصاً موضوع را رصد می‌کنم و پیگیری مباحث هستم. نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی گفت: همچنین پیگیری هشتم تا پس از پایان تعطیلات تهران در نخستین جلسه کمیسیون شوراهای این موضوع را در دستور کار قرار دهم.

